



۵

نگارش: روح اله خالقی

رئیس هنرستان موسیقی ملی

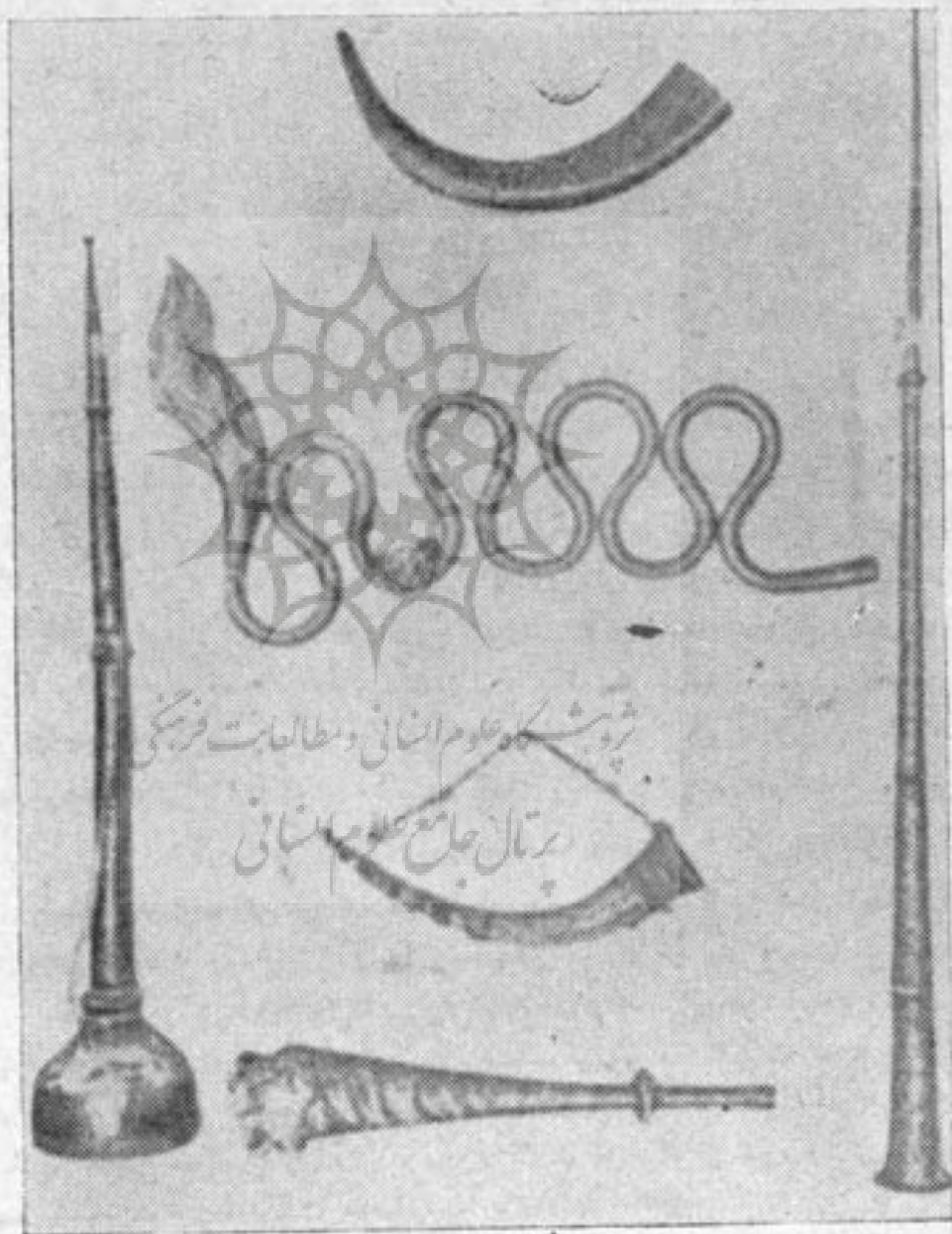


سازهای بادی - قدیمیترین ساز بادی هند شاید يك نوع بوقی است که از شاخ گاو میش درست شده باشد. در موزه کلکته نمونه آن دیده میشود و در جنوب هند هنوز هم مورد استعمال دارد. بعدها بوقهای برنجی ساخته شده است که اکنون در مدرس و نیپال آنرا میسازند. نام این ساز در شمال هند سرینگا - کمی کی یا «کالاهای» میباشد و در جنوب «کمبو» نامیده میشود که در زمان تامیل معنی بوق میدهد (۱). این بوقها برای علامت دادن و تشریفات و در عیدها بکار میرود و در جنوب اغلب آنرا از چند قطعه برنج میسازند که بیکدیگر متصل میشود. معمولا خمیده است و از چهار تا شش فوت (از ۱۲۲ تا ۱۸۲ سانتیمتر) طول دارد. در جنوب اغلب توسط مردم طبقات پائین نواخته میشود که این خود نیز خاطره قدمت آنرا بیاد میآورد. با این بوقها میتوان صداهای مختلف ایجاد کرد. حتی نواختن ملودی هم با آن میسر است و صدایی تیز دارد. از خواص بوقها در ناحیه نیپال اینست که آنرا بشکل مار میسازند و دهلیز آن را بشکل سر مار یا کله بپر درست میکنند.

نوع دیگر Sankhu نام دارد که بسیار قدیمی بنظر میرسد و مقدس است و میتوان آنرا از انواع قدیم ترومپت حساب کرد. در ادبیات قدیم هند نام آن برای جنگ و مقاصد مذهبی برده شده است. امروزه هم در دست گدایان و هم برای تشریفات مذهبی معابد بکار میرود و صدایی که از آن بگوش میرسد کمتر اثر موسیقی دارد و شاید نتوان نام آلت موسیقی بآن داد.

Kombu - Kalahay - Komiki - Sringa (۱)

نی زبانه‌دار موسوم به Vansa یا Bansori معمولترین ساز است که از قدیم بیادگار مانده . بنام Murali یا Fillagori هم نامیده میشود . این ساز است که در حجازیها همواره در دست کریشنا مییاشد که روی یک پا ایستاده آنرا مینوازد . نامهای مختلف دارد و بی شباهت بغلوت انگلیسی نیست . از چوب خیزران که توی آنرا خالی کرده اند ساخته میشود . نوع فلزی آن نیز دیده میشود . نوع دیگر آن Miy نام دارد که دارای سوراخهای استوانه شکل میباشد و ساز چوبی آنهاست . نویسنده‌ای بنام Fox Strangways کامهای مختلفی را که بانی‌های متنوع نواخته میشود نوشته است که در آن خواصی عجیب و حتی ربع برده هم دیده میشود و نوازندگان با کم و زیاد کردن فوت ، هر صدائی که متایلند از ساز بیرون



میآورد (۱)

نی دیگری است بنام Algosa شبیه نی لیک است و دارای هفت نت گام مییابد.

نوع دیگر موسومست به Ka - sharati و قسم دیگر Basuli نام دارد که در رقصها و مراسم عروسی بکار میرود.

قرنی هندی یا Nagasara یا Nagasuram معمولترین ساز زبانه دارهند است. از شمال تاجنوب همه جایافت میشود و هیچ تشریفات و عروسی بدون آن کامل نیست. شکل آن مخروطی است و طولش از دو تا دو قوت و نیم است (از ۶۱ تا ۷۶ سانتیمتر) از چوب ساخته میشود با از چوبی که با فلز پوشانده شده باشد. در شمال نوع چوبی آن معمولست و در جنوب روپوش نقره ای دارد. دارای ۱۲ سوراخ است که هفت تنای آن برای انگشت گذاشتن و بقیه برای تنظیم ارتفاع صوت است. نوازندگان ماهر با گذاردن انگشتان در روی سوراخها یا کنار آنها هر صدائی بخواهند تولید میکنند. سازهائی که خوب ساخته شده باشد مخصوصاً آنها که روپوش فلزی دارد دارای صدای لطیف است و شنیدن آن در هوای آزاد خیلی جالب است. نوازندگان این ساز در کار خود مهارت کافی دارند و انواع نوتهای زینت و خواص موسیقی هند را اجرا میکنند. نوع کوچکتر این ساز را Ninkairnal گویند که سوراخهایش همان ۱۲ عدد است و صدای تیزی دارد.

در موسیقی هند چنین معمول است که وقتی نوازنده ای بنهایی مینوازد، نوازنده دیگر با اصطلاح ما با نوعی از همان ساز دم میکبرد (۲) برای همراهی آواز چنانکه قبلاً اشاره شد از طنبور استفاده میشود ولی در سازهای بادی از نوعی از همان ساز استفاده میکنند و آنرا ساز همراهی کننده (Drone) مینامند. برای همراهی «ناگازارا» نوعی ساز بادی بنام Pongi یا Ottu بکار میرود که از لحاظ شکل شبیه ساز اصلیت ولی دهانه آن کشادتر است. این ساز دارای چهار سوراخ است و لسی همواره یک صدا از آن در میآوردند و سوراخهای متعدد برای اینست که ارتفاع صوت آن با ساز اصلی متناسب شود. ساز دیگری که همین عمل را انجام میدهد Noshug یا Sruti Upanga یا Bhajana Sruti نام دارد که در واقع «نی انبان» است. انبان این ساز از پوست بزغاله است که باددهان باد میشود. دهانه باد که دارای دو سوراخ است از نی و یکی کوچکتر از دیگریست. برای نواختن، یکی دم میدهد و دیگری مینوازد. معمولاً دور زبان را بانخ ابریشم رشته سیم نازکی مینندند که بهتر بتوانند در موقع نواختن، صدای ساز را تنظیم کنند.

یکی دیگر از آلات بادی سازیت بنام Punji یا Jinjivi یا Tombi یا Magadi که ساز محبوب حقه بازها و پارکیرهاست. بدنه و دهانه ساز از کدوست

(۱) همانطور که نوازندگان نی در ایران انجام میدهند. (۲) همانطور که در نقارهخانه ها هم معمول بود، یکی نغمه اصلی را مینواخت و دیگری نت تنیک یا شاهد را برای همراهی ساز اصلی بعداً میآورد و ادامه میدهد.

که شبیه بطری میباشد و در آن دولوله از نی داخل کرده اند. قسمت داخلی لوله‌ها طوری بریده شده که بشکل زبانه در آمده است. یکی از لوله‌ها دارای چند سوراخ برای انگشت گذار است که با آن نغمات را مینوازند و دیگری فقط يك صدا میدهد که از لحاظ ملودی کمک میکند. این ساز طوری ساخته شده که گام بهیروی (۱) را که در جنوب «هانوماتودی» (۲) گفته میشود میتوان با آن اجرا کرد و معمولاً راگای «ناگاوارالی» (۳) را با آن مینوازند که میگویند مطبوع طبع مارهاست. چنانکه در اغلب نقاط هند دیدم مارگیرها با این ساز و چند مار، دوره‌گردی میکنند. ساز را بسا در می‌آورند و مارها را بمرم نشان میدهند و ازین راه معاش میکنند.

در موزه هند ساز است شبیه به Punji که از پنج تا نه زبانه مختلف دارد و طول ساز بسته با ارتفاع صوت کوتاه و بلند است. این ساز بر اساس ارگ ساخته شده و مخصوصاً در میان قبایل تپه‌های «آسام» دیده میشود و گویند سازی نظیر آن در چین یافت میشود.

ساز دیگری بنام Nallatarang است که آنهم بر اساس ارگ و دارای ۱۹ لوله است که بوسیله دم نواخته میشود و هر يك از لوله‌ها بوسیله کلید کوچکی که بر دیف مضرابها متصل است باز و بسته میشود.

انواع ترومپت در هند معمول است که مهمترین آنها از این قرار است:

۱ - Kuma نوعی از ترومپت برنجی است که مقدس میباشد برهمن‌ها نیز برای نواختن آن مجازند.

۲ - Taturi یا Turahi يك نوع ترومپت خمیده برنجی است شبیه بشپوری که يك دور خمیدگی داشته باشد. مورد استعمال آن در تشریفات مذهبی است. ترومپتی شبیه بآن بنام Vanga در معبد Mathurai بکار میرود.

۳ - سنائی - Sanai ترومپتی است که از چوب Sisavi ساخته میشود. طول آن در حدود سی سانتیمتر و دارای هفت سوراخ میباشد. این نام را بيك نوع نی زبانه‌دار نیز میدهند که شبیه قره نی است.

۴ - کرنا Karana سنائی بزرگ‌تر است که صدای بم‌تری دارد.

۵ - Nafari ترومپت راست کوچکیست. در ایران نفیر یا شاخ نفیر نامیده میشود.

۶ - Kural را میتوان ساز مقدس چوپانها نامید که شامل عده‌ای چوپهای مجوف با طول مختلف است. فاصله‌های عجیب و غریب با آن مینوازند و صدایش تیز است.

در سفر هند سازی بنام شهنای دیدم که نوازندگان بسیار ماهری داشت و

(۱) Bhairavi (۲) Hanumato - di (این گام را قبلاً نوشته‌ام)
(۳) Nagavarali

صدایش بسیار مطلوب و نزدیک هو بو بود. هر چند این نام فارسی بنظر میرسد ولی در کتابهای موسیقی هند باین نام بر نخوردم. باید همان Nagasara یا نوعی از Sanai باشد. استاد بسمه الله بنارسی که برای شرکت در فستیوال موسیقی بدلهلی آمده بود در نواختن این ساز ذوق خاصی نشان میداد و مهارت بسیار داشت. چند نوازنده دیگر نیز همراه او بودند که همه شهنای میزدند. یکی از آنها وقتنی استاد خسته میشد و سکوت میداد دنباله لحن را مینواخت دیگران فقط صدای نت شاهد را تولید میکردند و در واقع با نوازنده اصلی همراهی مینمودند.



آلات ضربی - در میان آلات ضربی از همه مهمتر «طبل» است. طبل نه تنها پایه موسیقی هند است بلکه سازهای دیگر را هم با آن کوک میکنند. با اندازه‌ای طبلهای مختلف بکار میبرند که مشکل است همه آنها را در این مقاله مختصر ذکر کرد فقط بمهمترین آنها اشاره خواهم کرد. تنها در موزه کلکته ۲۸۷ نوع مختلف از طبل دیده میشود. در میان طبلهای متعدد اهمیت دو قسم آن بیشتر است که اول بشرح آنها میپردازم.

۱ - مریدنکا (Mridanga) - شاید قدیمترین طبل هند است که در جنوب بسیار معمولست، هر چند در شمال هند هم دیده میشود.

گویند مخترع آن «برهما» بوده که آنرا برای همراهی رقص «شیوا» مینواخته است همچنین معروفست که Ganesa فرزند شیوا اولین نوازنده آنست. کلمه مریدنکا مرادف چیزیست که از گل ساخته شده باشد و چنین بنظر میرسد که اول از گل درست میشده چنانکه امروز هم انواع طبلهای گلی که روی دهانه بعضی از آنها را پوست کشیده اند معمولست (۱) و کاملاً صدای مطبوع دارد ولی اکنون مریدنکا را که بشکل بشکه کوچکی است از چوب میسازند. طول آن در حدود ۶۱ سانتیمتر و دور بدنه آن در قسمت وسط ۹۱ سانتیمتر و قطر هر یک از دو سر آن در حدود ۲۲/۵ سانتیمتر است. در حقیقت مثل اینست که دو گلدان گلی را روی هم گذارده باشند که لبه آنها چسبیده باشد. یکی از دو سر کمی از سردیگر بزرگتر است. در روی هر دو دهانه پوست کشیده اند که بوسیله بندهای چرمی که از یک دهانه به دهانه دیگر متصل است سفت و شل میشود و در نتیجه صدا زیر و بم میگردد و این عمل بوسیله تکه‌هایی از چوب بشکل استوانه انجام میگردد که در زیر بندها قرار دارد و بالا و پایین میرود. در (۱) ضرب گلی دهانه باز هم دارند که با کف دست بروی دهانه میزنند. این ضرب پوست ندارد و دارای صدای خمره‌ای توخای بی است.

وسط یکی از دهانه‌ها ماده سیاه رنگی که مخلوطی از برنج بخته، شیرۀ نمر هندی و منگائز است کشیده‌اند و باین ترتیب دایره وسطی در حدود سه میلیمتر برآمدگی پیدا کرده است و در نتیجه صدای آن قسمت زیرتر شده است. صدای دهانه‌سر مساوی نت «دو» است. این طرف بسا انکشتان دست راست در وسط بسالبه دهانه بسدا میباید. دست چپ در دهانه دیگر کار میکند که صاف است و برآمدگی ندارد. اغلب اوقات وسط دهانه چپ را نیز با مخلوطی از برنج بخته و خاکستر و آب، کمی بالا می‌آورند تا حدی که صدای پنجم بدهد ولی بعد از انجام کار باید پوست را بشویند که آثار آن مخلوط محو شود.

۲ - طبلة - مخصوص شمال و مرکز هند است و در این نقاط جانشین مرید نکاست. طبلة عبارتست از دو طبیل کوچک که روی زمین قرار می‌گیرد. و یکی از آنها مثل مرید نکاست که از وسط بریده باشند. یکی از آنها چوبی و دیگری از مس است ولی گاه هر دو را هم از چوب می‌سازند. هر دو ی آنها مانند مرید نکا دارای تسمه‌هاییست که برای کوب کردن بکار میرود و دارای همان ماده سیاه رنگ در روی پوست میباشد. در طبلة سمت چپ این دایره کوچک که پوشیده از ماده مخصوص است، درست در وسط نیست بلکه کمی متمایل بکنار لبه است و قطر آن در حدود ۵ سانتیمتر میباشد. در طبلة راست دایره کوچک وسط، مانند قسمت سمت راست مرید نکاست.

سایر طبلها - علاوه بر مرید نکا و طبلة که اهمیت بسزا دارد و در تمام کنسرت‌ها بکار میرود انواع مهم دیگر از این قرار است:

بخاوج Pakhavaj کمی از مرید نکا بزرگتر و در شمال بکار میرود.
نقاره یا Bheri یا Nakkara که طبیل بزرگ است شبیه کتری و برای مقاصد جنگی یا تشریفات مذهبی استعمال میشود. در ادبیات قدیم هند نامش Dundubhi بوده است. بدنه طبیل از مس یا برنج یا ورقه‌های آهنی است که بهم وصل و پرچین



شده است . دهانه آن که دارای پوست میباشد از ۶۱ تا ۹۱ سانتیمتر قطر دارد و با دو چوب کج بصدا میآید .

Karadsamila نوعی دیگر از نقره است که در معابد Lingayat بکار میرود . از نقره بزرگتر و دارای تنه های چرمی است .

نوعی دیگر Mahangara نام دارد . طبل بزرگ است که مورد استفاده دسته های دوره گرد است . در بعضی تشریفات مذهبی مسلمین نیز بکار میرود و قطر دهانه آن در حدود یک متر و نیم است .

دهل طبل عروسی است بشکل استوانه بطول ۵۰ سانتیمتر و قطر ۱۶ سانتیمتر . بدنه آن از چوب محکم است . دهانه های آن پوست دارد که با چوب یا کف دست نواخته میشود . بدنه آن دارای تنه های بهم پیچیده است که پوست را شل و سفت میکند و صدا را تغییر میدهد . گاه در نواختن آن دست و چوب هر دو بکار میرود . صدای آن تو خالی است و کمتر حائث موسیقی دارد و اغلب در معابد و تشریفات و اعیاد بکار میرود .

دهل کوچک را دهلک Dholak یا Dholki و دهل بزرگ را Dak گویند . انواع مختلف دیگر طبل بناهای مختلف همچنین دایره های متنوع و سنجهایی که از برنج یا مس یا برنز ساخته میشود و اقسام قاشق نیز بکار میبرند .

آموزش موسیقی در هند چنین رسم است که پدر هنرمند باید فرزند خود را پهنر خویش خوب آشنا کند تا پسراجانشین پدر شود . موضوع حادیت و یاد ندادن رموژکار بشاگرد امری طبیعی است ولی اگر هنرمندی فرزند داشت حتماً از میان شاگردان خود یکی را که بهترین آنهاست انتخاب میکند و تمام رموژ هنر را با او میآموزد که هنر خود را که بارت برده است برای بعد از خود باقی گذارد . طرز آموزش عملی و سینه بسینه است ، اغلب هنرمندان جز از کار خود از هیچ علم دیگری اطلاع ندارند یا حتی خواندن و نوشتن هم نمیدانند ولی هستند هنرمندانی که بعلم موسیقی و تئوری را کا و قواعد هنری موسیقی خود کاملاً آگاهند و اطلاعات عمیق دارند . مدرسه موسیقی بروشی که ما خیال میکنیم ندارند ولی آموزشگاههای خصوصی دارند و رقص و موسیقی را در یک جا تعایم میکنند زیرا این دو هنر در هند جدا شدنی نیست . اخیراً موسسه ای بنام آکادمی موسیقی (۲) در دهلی نواز طرف وزارت فرهنگ تاسیس شده است که در کار تعلیمات آموزشگاهها نظارت مینمایند و آنها که معلم شایسته و روش خوب دارند به پیشنهاد آکادمی از بودجه دولت اعانه دریافت میکنند .

مردم هنردوست در هند بسیارند و اغلب این آموزشگاهها دارای یک هیئت مدیره افتخاری است که اشخاص سرشناس در میان آن هیئت هستند . این خود وسیله ایست که آموزشگاهها بهتر در کار خود توفیق یابند ولی با همه این احوال آموزشگاههایی را که در دهلی نو دیدم از لحاظ محل مناسب نبود . فقط یکی از آنها موسوم به Bharatiya Kala Kendra بسیار خوب و لو ازم عالی داشت با اینکه شاگردش خیار

کم بود. معلوم شده همیشه مدیره آن خیلی هنر پسند هستند که تمام مخارج را از جیب فتوت خود میدهند. برای آموزشگاه دیگر بنام Sangeet Bharati عمارت آبرو مند مجللی در یکی از بهترین خیابانهای دهلی نود دست ساختمان بود رئیس افتخاری این موسسه شخص رئیس جمهور بود و ازین جامیتوان اهمیتی را که مردم هند بمقام موسیقی میدهند بخوبی دریافت. (۱)

در چند دانشگاه برای موسیقی کالج مخصوص ترتیب داده اند برای اینکه بمقام آن بیفزایند و تحقیقات علمی را ادامه دهند. چنانکه دانشگاه مدرس ولکنو دارای شعبه موسیقی میباشد.

سالی چند بار کنفرانسهای تشکیل میشود که استادان موسیقی در یک شهر جمع میشوند و راجع بروشهای موسیقی ملی بحث و تحقیق میکنند.

فستیوالهای رقص و موسیقی نیز اهمیت بسزای دارد و هنرمندترین نوازندگان و رقاصان درین فستیوال هنرنمایی میکنند. در آنجا بی جهت بکسی استاد نمیگویند. کسی نام استادی در جلوی اسمش گذارده میشود که این مقام را رسماً حائز باشد. چنانکه درین مقاله نام کسانی را که هنوز باین درجه نرسیده اند و لو در هنر خود شهرت بسزا داشته اند بدون ذکر کلمه استاد بکار برد. استادها کسانی هستند که از طرف مقامات رسمی خلعت استادی پوشیده و باین مقام نائل شده اند.

نبت الحان - هندیها از قدیم وسائل مختلف برای نبت الحان داشته اند چیزی شبیه بسبک اجددی که در ایران قدیم نیز معمول بوده. البته این روش آن قدر کامل نبوده است که بتوانند نغمات را کاملاً بنویسند. سبکی که در قرن اخیر معمول شده و به ایست که یکی از موسیقیدانان مشهور موسوم به V. N. Bhatkhande در سال ۱۹۰۱ ایجاد کرده که حالا همه جا بکار میرود. در مدرسه موسیقی لکنو از روی کتابهایی که نت نویسی بهمین طریقه داشت تدریس میکردند و وقتی به نت های نوازندگان رادیو دهلی و بمبئی و کلکته نگاه میکردم، درست سردر نمیآوردم ولی روزی که در مدرسه موسیقی لکنو بودم روش این خط را پرسیدم و درک کردم که اینک درین جا مینگارم:

چنانکه قبلاً نوشته ام نت های هفتگانه باین نامهاست؛
Sa Ri Ga Ma Pa Dha Ni (از چپ بر راست بخوانید)

(۱) علاوه بر دو آموزشگاه نامبرده دو موسسه مهم دیگر موسیقی را در دهلی نودیدم یکی بنام Gandharva Mahavidyalaya و دیگری موسوم به Triveni Kala Sangam. همچنین مدرسه موسیقی هند در بمبئی، که رئیس آن B. R. Deodhar اطلاعات عمیقی در موسیقی هند داشت. همچنین در لکنو مدرسه ای بنام Bhatkhande Sangit Vidyapith که رئیس آن هنرمند مشهور S. N. Ratanjankar و رئیس هیئت امتحان که او را ملاقات و از اطلاعاتش استفاده نمودم Uma Nath Bali نام داشت.

در موقع نت نویسی این نامها خلاصه میشود و فقط حروف اول نوشته میشود
 باین ترتیب :

S R G M P D N (از چپ بر راست بخوانید)

اگر نتی بمل باشد در زیر آن يك خط افقی كوچك گذارده میشود و اگر دیز بود

يك خط عمودی كوچك در بالای آن میگذارند باین ترتیب R = ر بمل و D = دیز

برای نشان دادن هنگام بالا ، يك صفر در روی نت میگذارند چنانکه S

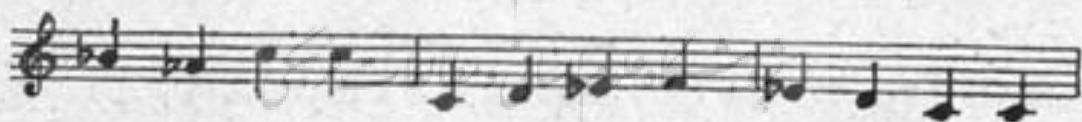
مساویست بدوی زیر خط کلید سل و وقتی باین شکل باشد S^o دوی بین خط سوم و چهارم
 کلید سل میشود .

حالا برای درك مطالب فوق بدو مثال ذیل مراجعه نمائید كه در بالا ،
 نغمه را بسبك نت نویسی اروپائی و در پائین بسبك هندی نوشته است . در این روش
 احتیاج بخط حامل و کلید نیست ولی خط میزانی بكار میبرند و هر يك از حروف
 نماینده يك ضرب یا نت سیاه است :

نت نویسی بسبك اروپائی ↓



نت نویسی بسبك هندی
 مثال دیگر :



اگر کشش نوت باندازه دو ضرب باشد يك خط افقی كوچك در طرف راست
 نت میگذارند و برای نشان دادن وزن ، يك خط منحنی در زیر دوت میکشند باین
 ترتیب اگر سفید نقطه دار باشد دو خط افقی كوچك طرف راست خواهد داشت :





مثال های دیگر :



این بود اصول موسیخ که با چند علامت دیگر تکمیل میشود و آهنگها را بهین ترتیب مینویسند و مینوازند.
 در آکادمی موسیقی دهلی وقتی با اهل فن مذاکره میکردم و میگفتم ما در ایران همان اصول نت نویسی اروپائی را که جنبه ملی دارد پذیرفته ایم آنها میگفتند استادان موسیقی زربار رویه جدید نمیروند ولی در چند آموزشگاه و کالج موسیقی که با اهل فن گفتگو کردم اشخاص فهمیده و تحصیل کرده معتقد بودند که باید رویه جدید را پذیرفت. از قراری که شنیدم در همین نزدیکی ها جلسه مشورتی در آکادمی موسیقی دهلی تشکیل میشود که تمام استادان بزرگ موسیقی هند از شهرهای مختلف در آن شرکت خواهند داشت و دستور جلسه تصمیم راجع به پذیرفتن سبک نت نویسی است و بطوری که استنباط کردم احتمال قوی میرود که نت نویسی

اروپائی را قبول کنند و از این پس با این رویه تدریس نمایند و دلیلشان این بود
که ما باید موسیقی خود را طوری بنویسیم که همه از آن استفاده کنند زیرا رویه
فعلی جنبه خصوصی دارد.

پایان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی-تخصصی مطالعات فرهنگی